

حمله آمریکا و اسرائیل به ایران چه قدر نزدیک و جدی است؟

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

هم‌زمان با افزایش حضور تجهیزات نظامی آمریکایی در منطقه، گمانه‌زنی‌ها درباره علت این حضور و پیامدهای آن رو به افزایش است. اظهارنظر اخیر «هاکان فیدان»، وزیر امور خارجه ترکیه در مورد ایران و ادعایی درباره احتمال حمله اسرائیل به ایران به موج گمانه‌هایی جدید درباره رویکرد اسرائیل در قبال ایران دامن زده است. رسانه‌های نزدیک به دولت ترکیه، گزارش دادند که دولت این کشور با تدوین طرحی آماده است تا در صورت بروز جنگ و ناآرامی «یک منطقه حائل» مرزی با ایران ایجاد کند. گفته شده ترکیه درصدد است تا با این طرح، در صورت بروز ناآرامی یا جنگ در ایران، تا «جای ممکن» مهاجران و پناهنجویان را در «داخل خاک ایران» نگه دارد. روزنامه «ملیت»، از جمله رسانه‌های نزدیک به دولت ترکیه، گزارش داد که مقام‌های وزارت خارجه ترکیه در نشست غیرعلنی، اعضای کمیسیون روابط خارجی پارلمان ترکیه را از این طرح دولت مطلع کردند. در گزارشی که وزارت خارجه ترکیه به کمیسیون خارجی پارلمان این کشور داده، به تحولات سوریه هم اشاره شده است. ترکیه پیش‌تر یک منطقه حائل مرزی با سوریه ایجاد کرده بود. این خبرها پس از آن منتشر می‌شود که هاکان فیدان، وزیر خارجه ترکیه جمعه، در یک مصاحبه زنده تلویزیونی گفت: «امیدوارم آن‌ها (مقامات اسرائیل) به راه متفاوتی بروند. اما واقعیت این است که اسرائیل، به دنبال فرصت برای حمله به ایران است.» رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، هم دوشنبه گذشته گفت: «همسایه ما ایران، پس از حمله اسرائیل حالا با آزمونی جدید از ناآرامی‌های اجتماعی روبه‌روست. ایمان دارم که برادران ایرانی‌مان از این دوران پر از تله هم عبور خواهند کرد.»



Copyright حساب @IsraelPersian در شبکه اجتماعی ایکس

موضوع مهم دیگر، سفر وزیر امور خارجه اسرائیل به جمهوری آذربایجان است. «گیدئون سعار»، وزیر امور خارجه اسرائیل، روز دوشنبه ۲۶ ژانویه ۲۰۲۶-ششم بهمن ۱۴۰۴، در دیدار با مقام‌های جمهوری آذربایجان در شهر باکو، اعلام کرد که «قتل‌عامی با ابعادی غیرقابل تصور» در ایران در حال وقوع است. وزیر امور خارجه اسرائیل در کنفرانس مشترک با همتای آذربایجانی خود، جیحون بایرامف، از جامعه بین‌المللی خواست تا به وضعیت ایران توجه داشته باشند. سعار به خبرنگاران گفت: «رژیم آیت‌الله به طرز وحشیانه‌ای مردم خود را در حالی که برای آزادی خود مبارزه می‌کنند، به قتل می‌رساند و سرکوب می‌کند» او افزود که با وجود قطع اینترنت در ایران، گزارش‌هایی از انتشار تصاویر تکان‌دهنده «در حال پدیدار شدن» و در حال شنیدن «روایت‌های هولناکی (از ایران)» هستیم. این مقام اسرائیلی، هم‌چنین وضعیت ایران را به نگرانی‌های گسترده‌تر امنیتی در منطقه مرتبط دانست و گفت رژیم‌می که علیه مردم خود با خشونت عمل می‌کند، نمی‌توان انتظار داشت در قبال سایر کشورها رفتاری متفاوت داشته باشد. او این وضعیت را «قتل‌عام یک ملت به دست رژیم‌می که بر آن حکومت می‌کند» توصیف کرد و تاکید کرد که به هیچ‌وجه نباید اجازه داده شود «افراطی‌ترین رژیم جهان به خطرناک‌ترین سلاح جهان، یعنی سلاح هسته‌ای» دست پیدا کند.

وزرای امور خارجه اسرائیل و آذربایجان در باکو، درباره روابط دوجانبه و تحولات منطقه‌ای گفت‌وگو کردند. به گفته طرفین، این مذاکرات با تمرکز بر گسترش و تعمیق همکاری‌ها میان اسرائیل و جمهوری آذربایجان، به‌ویژه در حوزه‌های سیاسی و امنیتی، و همچنین تقویت پیوندهای میان دو کشور انجام شد.

سعار پس از پایان دیدار با همتای آذربایجانی خود، به اقامتگاه رسمی الهام علی‌اف، رئیس جمهوری آذربایجان رفت و با وی نیز گفت‌وگو کرد. بنا بر اعلام او، محور این مذاکرات بررسی راه‌های توسعه همکاری‌ها در زمینه‌هایی چون انرژی، هوش مصنوعی، کشاورزی، منابع آب، بخش دفاعی و گردشگری بوده است.

وزیر امور خارجه اسرائیل در ادامه از علی‌اف دعوت کرد تا به اسرائیل سفر کند و با تأکید بر ضرورت تداوم گفت‌وگوها و تماس‌ها در بالاترین سطوح سیاسی، این موضوع را برای روابط دو کشور حائز اهمیت دانست.

در شرایطی که اعتراض‌ها در ایران ادامه دارد، جمهوری آذربایجان به یکی از بازیگران مهمی بدل شده است که تهران تحولات مرتبط با آن را با حساسیت و دقت ویژه دنبال می‌کند. این موضوع از یک سو به وجود جمعیت‌های هم‌تبار ملی در دو سوی مرز بازمی‌گردد و از سوی دیگر، به روابط نزدیک و راهبردی باکو با ایالات متحده آمریکا و اسرائیل مربوط می‌شود.

حاکمان ایران بحران کنونی را نه تنها نتیجه مشکلات داخلی، بلکه پیامد دگرگونی‌های ژئوپلیتیکی در منطقه نیز می‌دانند. به‌ویژه تحولات سال‌های اخیر در خاورمیانه و قفقاز جنوبی حوزه نفوذ سستی ایران را محدود کرده است.

در این میان، جایگاه جمهوری آذربایجان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. طی سه سال گذشته، همکاری راهبردی باکو با اسرائیل و همچنین اتحاد نظامی و سیاسی این کشور با ترکیه، موازنه قدرت در منطقه قفقاز جنوبی را به‌طور اساسی دگرگون کرده و این تغییرات به شکلی محسوس به زبان تهران تمام شده است.

نفت جمهوری آذربایجان بین ۴۰ تا ۶۰ درصد از مصرف اسرائیل را تأمین می‌کند. در مقابل، سلاح‌های اسرائیلی به جمهوری آذربایجان برتری کیفی بخشید که این کشور از آن به‌طور مؤثر علیه ارمنستان استفاده کرد و پس از ۳۵ سال اداره ارمنی‌ها، کنترل قره‌باغ را به دست گرفت. همین تسلیحات اسرائیلی، دست‌کم از نظر تئوریک، می‌تواند به بازدارندگی در برابر هرگونه اقدام ایران علیه جمهوری آذربایجان نیز کمک کند.

به احتمال زیاد، مهم‌ترین عامل در گرایش اسرائیل به تقویت روابط با جمهوری آذربایجان، این ارزیابی راهبردی است که ایران بزرگ‌ترین تهدید امنیتی و چالش استراتژیک برای اسرائیل به شمار می‌رود. مرز ۷۶۶ کیلومتری جمهوری آذربایجان با ایران، دست‌کم در تئوری، این امکان را فراهم می‌کند که مأموران اسرائیلی بتوانند به داخل ایران نفوذ کنند.

با این حال، در عمل این استدلال که بارها مطرح شده، احتمالاً اهمیت کمتری نسبت به آمادگی باکو برای میزبانی از ایستگاه‌های شنود و همچنین فراهم کردن امکان خروج شهروندان ایرانی از کشورشان برای دیدار با مقام‌ها یا طرف‌های اسرائیلی دارد.

مایکل روبین، پژوهش‌گر ارشد «موسسه آمریکن اینترپرایز» ماه سپتامبر در نشریه «اورشلیم استراتژیک تریبون» نوشت که «زمانی که اسرائیل آرشو هسته‌ای ایران را به‌طور مخفیانه خارج کرد، این کار را از طریق جمهوری آذربایجان انجام داد، چرا که پس از عبور از مرز می‌توانست از حمایت دولت محلی اطمینان بیش‌تری داشته باشد.» توماس اودال، کارشناس انرژی و ژئوپلیتیک مستقر در آلمان، در خصوص نقش انرژی در روابط اسرائیل و آذربایجان اظهار دارد که پیروزی شرکت دولتی **SOCAR** آذربایجان در مناقصه اکتشاف منابع گازی فراساحلی اسرائیل، موفقیتی مهم برای تل‌آویو به شمار می‌رود. این همکاری جدید ادامه‌دهنده الگوی روابط نفتی چند دهه‌ای اسرائیل و باکو است. اسرائیل مدت‌هاست که در تلاش برای صادرات گاز به اروپا از طریق قبرس و یونان بوده است، اما با مخالفت‌های سیاسی ترکیه و چالش‌های فنی روبه‌رو بوده است.

در این میان، نقش سیاسی آذربایجان به‌عنوان پلی برای کاهش ریسک‌های سیاسی در پروژه‌های صادرات گاز اسرائیل به اروپا می‌تواند کلیدی باشد. از طرفی، تهران پیش‌تر به‌طور علنی واکنش شدیدی به احداث کریدور زنگه‌زور نشان داد و هشدار داد که ایجاد چنین مسیری می‌تواند راه را برای نزدیک شدن آمریکا و اسرائیل به مرزهای ایران هموار کند. رهبری ایران اکنون هم حضور احتمالی نظامی و لجستیکی آمریکا از غرب، از مسیر ارمنستان، و هم فعالیت‌های اطلاعاتی و خرابکارانه اسرائیل از شمال، از مسیر آذربایجان، را تهدیدی مستقیم برای امنیت ملی خود قلمداد می‌کند.

بدین ترتیب، جمهوری اسلامی ایران خود را در مواجهه با یک هم‌راستایی سه‌جانبه شامل همکاری میان ایالات متحده، اسرائیل و آذربایجان می‌بیند. رسانه‌های ایرانی نزدیک به حاکمیت ایران به‌طور دوره‌ای، گزارش می‌دهند که آذربایجان در راه‌اندازی شبکه اطلاعاتی اسرائیل در خاک خود همکاری می‌کند، فرودگاه‌هایش را برای پرواز پهپادهای اسرائیلی در اختیار می‌گذارد و حمایت‌های دیگری نیز ارائه می‌دهد.

در سال ۲۰۲۴، نهادهای اطلاعاتی ایران ویدئوهایی منتشر کردند که نشان می‌داد شبکه‌ای تحت مدیریت سرویس اطلاعاتی اسرائیل، موساد، در آذربایجان فعال است. با این حال باکو این اتهامات را رسماً رد کرده است.

دولت ترکیه از فروپاشی جمهوری اسلامی ایران بیمناک است در صورت تغییر حکومت ایران، ترکیه جای ایران را به‌عنوان بزرگ‌ترین رقیب ژئوپلیتیک اسرائیل خواهد گرفت و رابطه تسهیل‌کننده با آنکارا برای باکو مشکلات جدیدی ایجاد خواهد کرد. کما این که حیدر علی‌اف، معاون نخست‌وزیر سابق شوروی و پدر رئیس جمهوری فعلی آذربایجان، تأکید داشت که رابطه میان آذربایجان و ترکیه همیشه با عنوان «یک ملت، دو کشور» توصیف شده است.

اما امروز اسرائیل، تهدیدهای مکرر رئیس جمهوری اردوغان و اقداماتی مانند تحریم‌های تجاری ترکیه علیه خود را جدی می‌گیرد. ایران بیش از ۵۰۰ کیلومتر مرز با ترکیه دارد، در حالی که آذربایجان تنها ۱۷ کیلومتر مرز مشترک با این کشور دارد، امری که جایگاه ژئوپلیتیک آن را محدود می‌کند.

حمایت جمهوری آذربایجان از آذری‌های ایران نیز می‌تواند در آینده برای ایران مشکل‌ساز شود. جمعیت آذری‌های ایران دست‌کم ۵۰ درصد بیش‌تر از جمعیت کل آذربایجان مستقل است و این موضوع حساسیت ویژه‌ای برای حاکمیت ایران دارد.

روابط ایران و آذربایجان به‌ویژه پس از جنگ قره‌باغ و همکاری‌های امنیتی با اسرائیل وارد مرحله‌ای پیچیده و چالش‌برانگیز شده است. سپاه پاسداران در چند سال گذشته گروه شبه‌نظامی جدیدی به نام «حسینیون» را در جمهوری آذربایجان راه‌اندازی کرده است. این گروه که شباهت زیادی به دیگر نیروهای نیابتی نیروی قدس سپاه دارد، مأموریتی مشابه به گروه‌هایی مانند حشدالشعبی یا فاطمیون دارد.

این اقدام سپاه پاسداران در حالی انجام می‌شود که تنش‌ها میان تهران و باکو ادامه دارد و آذربایجان جمهوری اسلامی را متهم به دخالت در امور داخلی خود کرده است، اما مقامات جمهوری اسلامی این اتهام را رد می‌کنند.

حمله به سفارت آذربایجان در تهران در سال ۲۰۲۳ و برگزاری مانورهای سپاه در مناطق مرزی، تنش‌ها را تشدید کرد. علاوه بر این، مسائل امنیتی و تنش‌های مرزی، فاصله میان ایران و آذربایجان را بیشتر کرده‌اند.

این رویدادها نشان‌دهنده آن است که گسترش روابط آذربایجان با اسرائیل بیش‌تر نتیجه اشتباهات استراتژیک ایران و ضعف دیپلماسی اقتصادی آن است.

براساس گزارش‌ها، نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو، قرار است در ماه مه گذشته به باکو سفر کرده و با الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان دیدار کند.

این سفر دو هدف عمده را دنبال می‌کند:

۱. تلاش برای میانجی‌گری در تنش‌های اسرائیل و ترکیه در سوریه، که باکو نقش واسطه را ایفا می‌کند.

۲. تسریع روند پیوستن آذربایجان به پیمان ابراهیم، توافقی که قبلاً به عادی‌سازی روابط اسرائیل با امارات، بحرین و مراکش انجامیده است.

این همکاری‌ها، جمهوری آذربایجان را به پایگاه عملیات اطلاعاتی اسرائیل در مرزهای شمالی ایران تبدیل کرده و حلقه محاصره اسرائیل علیه ایران را کامل کرده است. در سال‌های گذشته، این تناقض‌ها موجب تشدید فضای عدم اعتماد میان دو کشور شده و نشان‌دهنده سوءتفاهم‌های استراتژیک است. اختلافات مرزی و اتهامات دوطرفه در خصوص فعالیت‌های امنیتی، روابط تهران-باکو را در شرایط حساسی قرار داده است.

نقش اسرائیل در معادلات منطقه‌ای نیز به این تنش‌ها افزوده است. اسرائیل در سال‌های اخیر تامین‌کننده اصلی نیازهای نظامی آذربایجان بوده و در مقابل، آذربایجان یکی از تامین‌کنندگان اصلی نفت برای اسرائیل است.

پیوستن احتمالی آذربایجان به پیمان ابراهیم می‌تواند نفوذ اسرائیل در منطقه قفقاز را بیش‌تر کرده و تهدیدات جدیدی برای امنیت ملی ایران ایجاد کند.

با این حال، چالش‌های دیگری مانند کمبود زیرساخت‌های یکپارچه در ایران و رقابت آذربایجان با کریدورهای جایگزین (مانند مسیر قزاقستان-ترکمنستان)، آینده روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران، همواره مخالفت قاطع خود را با کریدور زنگزور اعلام کرده و آن را خط قرمز امنیتی و ژئوپلیتیک خود می‌داند.



دوران نمایش قدرقدرتی خامنه‌ای و فرماندهان نظامی سپاه و ارتش، قبل از پناه بردن به زندگی مخف زیرزمینی

در ادامه همین مطلب، به پاره‌ای از شواهد دیگر اشاره می‌کنم.

در گام نخست نگاهی به حضور گسترده نیروهای نظامی ایالات متحده در منطقه، ناوهای هواپیمابر و به‌طور کلی هزینه‌های سنگینی که از سوی آمریکا به منطقه گسیل شده و آغاز مانور دریایی این نیروها در نزدیکی آب‌های ایران، این احتمال را تقویت کرده است. هم‌چنین انتشار این خبر که پروازهای زیادی به مقصد اسرائیل کنسل شده‌اند و برخی شرکت‌های هواپیمایی پروازهای خود به ایران را لغو کرده‌اند.

چند شرکت هواپیمایی، از جمله قطر ایرویز، امارات، ترکیش ایرلاینز، آسترین ایرلاینز، پگاسوس و فلای‌دبی پروازهای خود به تهران را لغو کردند. فاکس نیوز گزارش داد که شرکت لوفت‌هانزا هم پروازهای خود به ایران را لغو کرده است.

شرکت‌های هواپیمایی ایرفرانس و کی‌ال‌ام نیز اعلام کردند پروازهای خود به اسرائیل، دبی و عربستان سعودی را دست‌کم تا روز یک‌شنبه ۲۵ ژانویه لغو می‌کنند. دلیل این تصمیم «تنش‌های امنیتی» و نگرانی از احتمال ازسرگیری درگیری با ایران عنوان شده است.

این دو شرکت هواپیمایی متعلق به یک شرکت هلدینگ به نام ایرفرانس-کی‌ال‌ام هستند. پیش از این نیز، گروه لوفت‌هانزا هفته گذشته، پروازهای شبانه به اسرائیل را تا حداقل پایان ژانویه لغو کرد. این گروه شامل شرکت‌های هواپیمایی لوفت‌هانزا، سوئیس، آسترین ایرلاینز، بروکسل ایرلاینز و یورووینگر است. لغوها پروازها در حالی صورت می‌گیرد که ایالات متحده آمریکا حضور نظامی خود در منطقه را در پی تهدید برای حمله به ایران به دلیل سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات اخیر ضد حکومتی افزایش داده است.

مهم‌تر از همه، لغو پرواز شرکت‌های هواپیمایی اسرائیلی است. شرکت‌های هواپیمایی اسرائیلی ال‌عال، اسرایر و آرکیا روز دوشنبه ۲۶ ژانویه ۲۰۲۶، اعلام کردند که به دلیل عدم قطعیت در منطقه، به مسافران اجازه خواهند داد پروازهای خود را لغو کنند.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، هفته گذشته گفت که یک ناوگان عظیم دریایی به سمت ایران در حرکت است، اما ابراز امیدواری کرد که مجبور به استفاده از آن نشود. او هم‌زمان هشدارهای خود به تهران را درباره کشتن معترضان یا از سر گرفتن برنامه هسته‌ای این کشور تجدید کرد.

با این حال، با توجه به عدم قطعیت پیرامون احتمال اقدام نظامی علیه ایران که می‌تواند به حملات تلافی‌جویانه علیه اسرائیل منجر شود، شرکت‌های هواپیمایی به مشتریانی که از دوشنبه بلیت‌های جدید خریداری می‌کنند اجازه می‌دهند پرواز خود را لغو کنند یا اعتبار برای پروازهای آینده دریافت کنند.

ارتش به اقدام برخی از شرکت‌های هواپیمایی در لغو پروازها به مقصد تل‌آویو واکنش نشان داد. ارتش اسرائیل در واکنش به لغو پرواز برخی شرکت‌های هواپیمایی به تل‌آویو، گفته است: «چیز غیرمعمولی نیست».

به گزارش شبکه الجزیره، کانال ۱۲ اسرائیل اعلام کرد که شرکت هواپیمایی فرانسه (ایرفرانس) پروازهای خود به تل‌آویو و منطقه را به خاطر تنش‌های امنیتی لغو کرده است. پیش از این نیز شرکت هواپیمایی بلژیک از لغو پروازهای خود به سرزمین‌های اشغالی خبر داده بود.

شموئل زکای، رئیس سازمان هواپیمایی کشوری اسرائیل، طی هشدار رسمی به شرکت‌های هواپیمایی خارجی در فرودگاه بن‌گوریون در تل‌آویو اعلام کرد که در پایان هفته جاری وارد «یک دوره امنیتی حساس» خواهند شد. این هشدار هم‌زمان با برآوردهایی است که احتمال حمله آمریکا به ایران را نزدیک می‌داند.

به گفته زکای، سازمان هواپیمایی کشوری اسرائیل یک طرح اضطراری را برای مواجهه با احتمال بسته‌شدن حریم هوایی اسرائیل آماده کرده است. وضعیتی که پیش‌تر در ژوئن ۲۰۲۵ و ۲۰۲۴ اجرا شده بود.

به گفته او، در چنین شرایطی پروازهای خروجی شرکت‌های هواپیمایی خارجی در اولویت قرار می‌گیرند تا خروج ایمن آن‌ها تضمین شود.

برآوردهای اسرائیلی که روز شنبه «رادیو ارتش اسرائیل» گزارش کرد، نشان می‌دهد سطح استقرار نظامی ایالات متحده در خاورمیانه طی این هفته از زمان عملیات نظامی علیه ایران در ژوئن ۲۰۲۵ به سطح بی‌سابقه‌ای رسیده است. مقامات آمریکایی می‌گویند دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، تمام گزینه‌ها از جمله حملات سریع و قاطع علیه ایران را در نظر دارد.

حقیقت این است که مواضع ترامپ، بسیار متناقض است و او می‌تواند در عرض چند ساعت مواضع خود را تغییر دهد. او تا خودخواه و مغرور از اقدامات اخیر خود است. او اخیراً و پس از ربودن مادورو و همسرش، توقیفاتی در ونزوئلا به دست آورده و به نفت ونزوئلا دسترسی پیدا کرده است که زمینه را برای افزایش درآمدهای آمریکا فراهم می‌کند. هم‌چنین درباره غزه به یک موفقیت نسبی دست پیدا کرده است.

در حاشیه مجمع جهانی اقتصاد در داووس سوئیس، منشور تأسیس «هیأت صلح برای غزه» با حضور دونالد ترامپ و رهبران و نمایندگان شماری از کشورها به امضاء رسید. این ابتکار با هدف ایجاد صلح، خلع سلاح نوار غزه و آغاز روند بازسازی این منطقه ارائه شده است.

دونالد ترامپ پیش از امضای این منشور، در سخنانی به آن‌چه «موفقیت‌های دولت خود در یک سال گذشته برای کاهش تنش‌ها و پیش‌برد صلح در جهان» خواند، اشاره کرد و گفت: «هر کسی که اینجا حضور دارد یک ستاره است. هیچ چیز نمی‌تواند در برابر صلح بایستد و این بسیار مهم است. جای بهتری از داووس برای انجام چنین اقدامی وجود نداشت.»

ترامپ در بخش دیگری از سخنانش، با اشاره به حماس تأکید کرد: «آن‌ها باید سلاح‌هایشان را زمین بگذارند و اگر این کار را نکنند، کارشان تمام خواهد شد.» ترامپ افزود: «ما متعهد به خلع سلاح نوار غزه و بازسازی آن به شکلی زیبا هستیم.»

پس از این سخنرانی، دونالد ترامپ اسناد رسمی تأسیس «هیأت صلح» را امضاء کرد. در کنار او، رهبران بحرین و مراکش نخستین امضاءکنندگان این منشور بودند و سپس رهبران و نمایندگان کشورهای آرژانتین، ارمنستان، آذربایجان، بلغارستان، مجارستان، اندونزی، اردن، قزاقستان، کوزوو، پاکستان، پاراگوئه، قطر، عربستان سعودی، ترکیه، امارات متحده عربی، ازبکستان و مغولستان نیز این سند را امضا کردند.

در این مراسم، مارکو رویو، وزیر خارجه آمریکا، با اشاره به نقش دونالد ترامپ در شکل‌گیری این ابتکار گفت: «این فقط یک شورای صلح نیست؛ این یک شورای عملگراست، درست همان‌طور که رئیس‌جمهور ترامپ رئیس‌جمهوری عملگراست.»

استیو ویتکاف، فرستاده ویژه ترامپ، نیز در سخنانی کوتاه گفت: «صلح در غزه غیرممکن به نظر می‌رسید، اما با هدایت دونالد ترامپ توانستیم این کار را انجام دهیم.»

کاخ سفید نیز روز جمعه ۲۶ دی در بیانیه‌ای اعلام کرد «کمیته ملی اداره غزه» به ریاست دکتر «علی شعث»، مسئول بازسازی نهادهای عمومی، احیای خدمات پایه و ایجاد زیرساخت‌های حکمرانی محلی خواهد بود.

طبق این بیانیه، اعضای هیات اجرایی شامل مارکو روبریو، استیو ویتکاف، جرد کوشنر، تونی بلر، مارک روئن، آچی بانگا و رابرت گابریل هستند و ماموریت این گروه نظارت بر بازسازی، جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد ظرفیت حکمرانی در نوار غزه عنوان شده است.

ترامپ در تلاش است با آوردن این نیروهای گسترده به منطقه، جمهوری اسلامی ایران را تحت فشار همه جانبه‌ای قرار دهد تا شروط را بپذیرد. اما اگر ایران شروط او را نپذیرد به احتمال زیاد، آمریکا می‌خواهد به ایران ضربه بزند و پس از ضربه، ایران را سر میز مذاکره بنشاند.

احتمال دیگر، این است که اسرائیل بخواهد ابتدا حمله کند و سپس آمریکا بخواهد از اسرائیل حمایت کند. در حمله پیشین نیز شاهد بودیم اقدامات مشترکی بین اسرائیل و آمریکا انجام می‌شد. در تحولات داخلی کشور ما نیز، ترامپ ادعاهایی را مطرح کرده بود.

منابع امنیتی ارشد اسرائیلی، هم‌زمان با برآوردهایی که از نزدیک بودن انجام یک حمله نظامی راهبردی آمریکا علیه اهدافی در ایران حکایت دارد و در اقدامی که نشان‌دهنده شتاب گرفتن تحولات نظامی در منطقه است، شامگاه جمعه سوم بهمن-۲۳ ژانویه، اعلام کردند که ارتش اسرائیل تمامی طرح‌های آمادگی‌های عملیاتی، دفاعی و تهاجمی خود را تکمیل کرده است.

بر اساس گزارش «شبکه ۱۳» اسرائیل، ایال زامیر، رییس ستاد ارتش اسرائیل شامگاه جمعه آخرین جزئیات طرح‌های آمادگی نیروی هوایی، سامانه‌های پدافند هوایی و فرماندهی جبهه داخلی را نهایی کرده است.

در این گزارش آمده است که دستورهای برای افزایش سطح آمادہ‌باش به بالاترین درجه صادر شده و تمرکز اصلی بر حفاظت از تاسیسات حیاتی و مراکز جمعیتی در برابر هرگونه واکنش احتمالی تهران یا گروه‌های نیابتی آن در منطقه قرار دارد.

نشریه «هآرتس» نیز گزارش کرده است که نهادهای امنیتی اسرائیل با این فرض عمل می‌کنند که «ساعت صفر» ممکن است نزدیک باشد، هرچند هنوز درباره زمان دقیق آن عدم قطعیت وجود دارد.

این روزنامه افزوده است که سطح هماهنگی میان تل‌آویو و واشینگتن به مرحله‌ای بی‌سابقه رسیده و ایمن‌سازی کریدورهای هوایی و یکپارچه‌سازی سامانه‌های رصد راداری به پایان رسیده است.

این تحولات در حالی رخ می‌دهد که بزرگ‌ترین استقرار نظامی آمریکا طی دهه‌های اخیر در منطقه شکل گرفته و خاورمیانه شاهد ورود گسترده و بی‌سابقه تجهیزات و یگان‌های نظامی ایالات متحده بوده است.

در این چارچوب، گروه‌های رزمی به فرماندهی ناوهای هواپیمابر عظیمی مانند «یواس اس لینکلن آبراهام» در منطقه مستقر شده‌اند و هم‌زمان زیردریایی هسته‌ای کلاس اوهایو «یواس اس جورجیا» که بیش از ۱۵۰ موشک کروز «توماهاوک» حمل می‌کند و توان تخریبی بسیار بالایی را از زیر سطح دریا فراهم می‌سازد، نیز وارد منطقه شده است.

هم‌چنین واشینگتن یگان‌هایی از جنگنده‌های نسل پنجم «اف بی بیست» و دو رپتور را مستقر کرده تا برتری کامل هوایی را تضمین کرده و هر گونه سامانه‌های پدافند هوایی احتمالی ایران را خنثی کند.

در همین حال، بمب‌افکن‌های راهبردی B52 به پایگاه‌های منطقه‌ای منتقل شده‌اند؛ هواپیماهایی که توان حمل بمب‌های سنگرشکن را دارند و برای هدف قرار دادن تأسیسات هسته‌ای و نظامی مستقر در عمق کوه‌ها طراحی شده‌اند.

برای نخستین بار، سامانه پیشرفته دفاع موشکی تاد آمریکا در داخل سرزمین‌های تحت کنترل اسرائیل و با مدیریت نیروهای آمریکایی مستقر شده و در کنار سامانه پدافندی «حیتس» اسرائیل فعالیت می‌کند؛ ترکیبی که یک سپر دفاعی چندلایه در برابر موشک‌های بالستیک دوربرد ایجاد می‌کند.

گزارش‌های هوانوردی، هم‌چنین از تردد گسترده هواپیماهای ترابری نظامی «سی هفده» و «سی پنج» خبر می‌دهند که مقادیر زیادی مهمات هدایت‌شونده دقیق و تجهیزات لجستیکی را به پایگاه‌های هوایی در اسرائیل و منطقه منتقل کرده‌اند؛ این اقدام با هدف تضمین تداوم عملیات نظامی در صورت کشیده شدن اوضاع به یک جنگ منطقه‌ای گسترده انجام شده است.

نیروی هوایی تحت امر «فرماندهی مرکزی آمریکا» (سنتکام) از برگزاری یک رزمایش نظامی چندروزه در منطقه خبر داد.

به گزارش خبرگزاری‌ها، نیروی هوایی آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد: «ما به مدت چند روز رزمایشی را برای تقویت استقرار و پایداری قدرت‌مان در منطقه انجام خواهیم داد.» نیروی هوایی تحت امر سنتکام افزود که این رزمایش با هدف آماده‌سازی برای اجرای یک پاسخ انعطاف‌پذیر در منطقه طراحی شده است.

نیروی هوایی آمریکا در ادامه این بیانیه افزود: «در طول این رزمایش، گروه‌هایی را در چندین موقعیت اضطراری مستقر خواهیم کرد تا سطح آمادگی آن‌ها را مورد ارزیابی قرار دهیم.»

بر اساس این گزارشات، در این زمینه پایگاه ردیابی پرواز Flightradar ۲۴ فاش کرده است که در ۲ روز گذشته حداقل سه هواپیمای متعلق به نیروی هوایی آمریکا از آلمان به کشورهای خاورمیانه از جمله کویت و قطر اعزام شده‌اند.

بر اساس گزارش پایگاه ردیابی پرواز Flightradar ۲، یک هواپیمای سوخترسان بوئینگ-KC ۱۳۵ R استراتوتانکر در قطر فرود آمد که به احتمال زیاد از پایگاه هوایی «رامشتاین» آمریکا در آلمان حرکت کرده بود.

افزون بر این، یک هواپیمای ترابری نظامی از نوع بوئینگ-A ۱۷ C گلوب مستر ۳ نیز در کویت فرود آمد که از شهر ترپیر در آلمان پرواز کرده بود.

هم‌چنین یک هواپیمای دیگر از نوع-A ۱۷ C که از پایگاه هوایی آمریکایی «اسپانگدام» در آلمان برخاسته بود، در جنوب کویت از صفحه رادارها ناپدید شد. بنا به گزارش سومریه نیوز، داده‌های Flightradar ۲۴، هم‌چنین نشان می‌دهد که آمریکا یک هواپیمای ترابری نظامی از نوع لاکهید مارتین-C ۱۳۰ J هرکولس را از بحرین به مرکز کویت اعزام کرده و هم‌چنین یک هواپیمای سوخت‌رسان-KC ۱۳۵R متعلق به ایالات متحده در قطر فرود آمده است. این رزمایش در چارچوب تلاش‌های مستمر واشنگتن برای حفظ حضور نظامی و نمایش توان عملیاتی در منطقه خاورمیانه و در شرایطی انجام می‌شود که تنش‌های امنیتی در برخی نقاط از جمله دریای سرخ و خلیج فارس ادامه دارد.

در همین باره، خبرگزاری تسنیم وابسته به نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی هم نوشت: «رزمایش مشترک «امنیت ۴» با حضور نیروهای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و یگان‌های آمریکایی در قطر آغاز شد.»

دنیای اقتصاد، چاپ تهران نیز روز یکشنبه ۵ بهمن ۱۴۰۴، نوشته بود: شاید در ظاهر چنین به نظر برسد که افزایش حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و مخصوصاً ورود تدریجی ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن به خلیج فارس نشانه روشنی از زود هنگام بودن حمله نظامی به ایران باشد. اما از نظر فنی باید توجه داشت که اصولاً آمادگی برای انجام یک اقدام نظامی زمان‌بر است و بنابراین، به همین راحتی نمی‌توان نتیجه گرفت که اقدام نظامی آمریکا علیه ایران به‌زودی انجام خواهد شد.

آن‌چه در حال حاضر در حال رخ دادن است، این واقعیت است که آمریکا درصدد تقویت قدرت بازدارندگی خود در منطقه به منظور ارسال یک پیام معتبر به جمهوری اسلامی ایران است.

به‌نظر می‌رسد دونالد ترامپ، هم‌چنان در چارچوب دیپلماسی قهری(اجبار) ابتدا می‌خواهد شانس خود را برای یک توافق امتحان کند و اگر دیپلماسی جواب نداد به اقدام نظامی متوسل شود.

میزان و حجم تجهیزات نظامی ارسال شده از سوی آمریکا و اروپا به منطقه نشان می‌دهد که آمریکا خود را برای پاسخ احتمالی به ایران در صورت اقدام نظامی آماده می‌کند و همان‌طور که جی. دی. ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، به‌تازگی گفته است، آمریکا امیدوار است ایران اقدامی غیر قابل انتظار انجام ندهد. به نوشته روزنامه یدیعوت آحارانون، این رزمایش با مشارکت نیروهای امنیتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در قطر آغاز شده است و «امنیت ۴» نام دارد. این رزمایش ۱۱ روز ادامه خواهد داشت و قرار است شرکت‌کنندگان بیش از ۷۰ سناریوی مختلف را در جریان آن تمرین کنند. خبرگزاری رسمی قطر نیز از از حال و هوای این رزمایش نوشت که در مراسم افتتاحیه، عبدالله بن خلف الکعبی معاون وزیر کشور قطر؛ و جمعی از فرماندهان امنیتی، افسران و نمایندگان دستگاه‌های شرکت کننده حضور داشتند.

هدف این رزمایش، ارتقای سطح آمادگی امنیتی، تقویت هماهنگی و یکپارچگی میدانی، و آزمودن کارآمدی طرح‌های عملیاتی و سازوکارهای واکنش ادعا شده است؛ موضوعی که به زعم این رسانه، نشان‌دهنده حرفه‌ای‌گری بالا و توان پیشرفته نهادهای امنیتی کشورهای خلیج فارس در رویارویی با چالش‌های مختلف امنیتی است.



کانال ۱۴ اسرائیل در زمینه دیدار برد کوپر فرمانده ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا(ستکام) با مقامات اسرائیلی گزارش داد که در جریان این نشست، مقامات آمریکایی استدلال کردند که برای آمادگی کامل جهت یک نبرد همه‌جانبه در جبهه ایران به زمان بیشتری برای مقدمه‌چینی نیاز است، اما برای انجام یک «عملیات نقطه‌ای»، ایالات متحده در هر لحظه آمادگی کامل دارد.

بر اساس این گزارش، فرمانده حاضر در جلسه در خصوص احتمال حمله آمریکا به ایران اظهار داشت که منطق آمریکایی‌ها بر پایه یک عملیات «کوتاه، سریع و تمیز» استوار است. هم‌چنین علاوه بر این، آمریکایی‌ها معتقدند که تغییر رژیم در ایران یک ضرورت اساسی است. بر این اساس، در صورت اتخاذ تصمیم برای حمله، انتظار می‌رود تمرکز آن‌ها بر هدف قرار دادن نهادها و افرادی باشد که در سرکوب شدید شهروندان و معترضان نقش داشته‌اند؛ چرا که از نظر واشینگتن، این بخش از حاکمیت دیگر مشروعیت خود را از دست داده است.

در مقابل، فرمانده سستکام تاکید کرد که ایالات متحده به دفاع از متحدان خود در خاورمیانه، از جمله اسرائیل، متعهد است و اجازه هیچ گونه آسیبی به آن ها را نخواهد داد.

پیش تر کانال ۱۴ اسرائیل با انتشار گزارشی از جزئیات تجهیزات نظامی ایالات متحده در منطقه نوشت که این استقرار گسترده و کم سابقه از نظر حجم و دامنه نیروها و تجهیزات به ارتش آمریکا آزادی عمل نظامی تقریباً کامل می دهد.

علاوه بر نزدیک شدن بر ناو هواپیمابر «آبراهام لینکلن» و ناوشکن های مجهز به صدها موشک تاماهاوک در کنار آن، جنگنده های F-15E در پایگاه های منطقه فرود آمده اند. هم زمان، هواپیماهای سوخت رسان، کشتی های پشتیبانی و یک کشتی فرماندهی نیز در منطقه مستقر شده اند.

دونالد ترامپ، شامگاه پنجشنبه دوم بهمن -۲۲ ژانویه، اعلام کرد که یک نیروی نظامی عظیم در حال حرکت به سوی ایران است و تاکید کرد که واشینگتن تحرکات تهران را از نزدیک زیر نظر دارد.

ترامپ، هم چنین گفت تعرفه ۲۵ درصدی علیه هر طرفی که با ایران همکاری اقتصادی داشته باشد، «در آینده بسیار نزدیک» اجرایی خواهد شد. پیش از این اظهارات، دو مقام آمریکایی پنجشنبه اعلام کردند که گروه ضربتی ناو هواپیمابر ایالات متحده به همراه تجهیزات نظامی دیگر، طی روزهای آینده وارد منطقه خاورمیانه خواهد شد؛ هرچند ترامپ ابراز امیدواری کرده که از انجام هرگونه اقدام نظامی جدید علیه ایران جلوگیری شود. به گفته این مقامات، کشتی های جنگی آمریکا از جمله ناو هواپیمابر «آبراهام لینکلن» به همراه چند ناوشکن و جنگنده، از هفته گذشته حرکت خود را از منطقه آسیا و اقیانوس آرام آغاز کردند.

یکی از این مقامات آمریکایی، اعلام کرد که احتمال اعزام سامانه های پدافند هوایی اضافی به منطقه خاورمیانه در دست بررسی است. ایالات متحده معمولاً در دوره های تشدید تنش های منطقه ای، حضور نظامی خود در خاورمیانه را افزایش می دهد که به گفته کارشناسان، می تواند ماهیتی صرفاً دفاعی داشته باشد. با این حال، ارتش آمریکا تابستان گذشته نیز پیش از حمله ای که در ژوئن گذشته علیه برنامه هسته ای ایران انجام شد، نیروهای قابل توجهی را در منطقه مستقر کرد که واشینگتن متعاقباً، از محرمانه بودن برنامه ریزی آن سخن گفت.

ترامپ پیش تر، بارها ایران را به دلیل کشته شدن معترضان، به اقدام متقابل تهدید کرده بود، اما به گفته منابع خبری، در هفته گذشته شدت اعتراضات کاهش یافت و لحن اظهارات ترامپ درباره ایران نیز ملایم تر شد و تمرکز خود را بر موضوعات ژئوپلیتیکی دیگر، از جمله تلاش برای الحاق گرینلند، معطوف ساخت. ترامپ چهارشنبه هفته گذشته، بار دیگر تاکید کرده بود که امیدوار است ایالات متحده اقدام نظامی تازه ای علیه ایران در کار نباشد، اما هشدار داد در صورتی که تهران برنامه هسته ای خود را از سر بگیرد، واشینگتن واکنش نشان خواهد داد.

ترامپ در مصاحبه ای با «سی ان بی سی» در حاشیه نشست داووس در سوئیس گفت: «آن ها اجازه انجام فعالیت هسته ای ندارند.» او با اشاره به حملات هوایی گسترده آمریکا به تأسیسات هسته ای ایران در ژوئن ۲۰۲۵ افزود: «اگر دوباره این کار را انجام دهند، این اتفاق تکرار خواهد شد.»

در همین حال، دست کم هفت ماه از آخرین باری که آژانس بین المللی انرژی اتمی، وابسته به سازمان ملل متحد، توانست موجودی اورانیوم با غنای بالای ایران را راستی آزمایی کند، می گذرد؛ در حالی که بر اساس دستورالعمل های این نهاد، چنین بررسی هایی باید به صورت ماهانه انجام شود.

بر اساس مقررات آژانس، ایران موظف است گزارشی درباره وضعیت سایت هایی که هدف حملات آمریکا قرار گرفتند و هم چنین مواد هسته ای موجود در آن ها از جمله حدود ۴۴۰/۹ کیلوگرم اورانیوم غنی شده با خلوص ۶۰ درصد که به سطح تقریبی ۹۰ درصد، میزان لازم برای ساخت سلاح هسته ای، نزدیک است، ارائه کند.

به گفته آژانس بین المللی انرژی اتمی، این میزان اورانیوم در صورت غنی سازی بیش تر، برای ساخت ۱۰ بمب هسته ای کفایت می کند. در بخش دیگری از گزارش آمده است که هنوز مشخص نیست که اعتراضات در ایران بار دیگر شدت بگیرد.

با توجه به تحولات موجود منطقه، اسرائیل و آمریکا، مجدداً جنگ روانی زیادی در رابطه با حمله قریب الوقوع به ایران راه انداخته اند. هرچند که اسرائیل و آمریکا در رابطه با تحولات ایران اختلافات جدی هم دارند. برای مثال، اسرائیل به طور جدی خواهان فروپاشی جمهوری اسلامی و فعلاً جایگزینی آن با رضا پهلوی و بازگشت سلطنت به ایران است و در این راستا، اسرائیل امکانات زیاد مالی و تبلیغی وسیعی در اختیار رضا پهلوی قرار داده است. اما آمریکا خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی نیست و خواهان برچیده شدن فعالیت های اتمی، محدود کردن برد موشک ها، روشن کردن تکلیف بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده ۶۰ درصدی و خواهان پایان دادن به حمایت از گروه های نیابتی در کشورهای منطقه است. در یک کلام، آمریکا براین تصور است که فروپاشی و یا سرنگونی جمهوری اسلامی ایران می تواند منافع سرمایه داری و نظم سرمایه داری منطقه را به خطر بیناندازد. به احتمال قوی، آمریکا، تنها به دنبال تغییر خامنه ای مانند مadoro در ونزوئلا است. آمریکا مadoro، رئیس جمهور ونزوئلا و همسرش را با حمله سریع نظامی و کشتن گارد ریاست جمهوری، دستگیر کردند و به زندانی در آمریکا انتقال دادند اما کل حاکمیت ونزوئلا را به هم نزد.

با این وجود، هم در آمریکا و هم در اسرائیل، مدت هاست که شاید هم با هدف جنگ راه انداختن یک جنگ روانی، مقامات مختلف و تحلیل گران رسانه ها می گویند و می نویسند که کدام یکی اول به ایران حمله کند. اما آن چه که مشخص به نظر می رسد، این است که ایران حمله پیشدستانه انجام دهد، چرا که اگر ایران چنین اقدامی انجام دهد، فارغ از تبعات منطقه متعددی که چنین حمله ای خواهد داشت، حمله گسترده متقابلی از سوی اسرائیل و آمریکا رقم خواهد خورد.

با توجه به اعتراضات دی ماه و کشتار خونین ده‌ها هزار نفری معترضین در خیابان‌ها و زندان‌ها در زیر شکنجه و یا اعدام، مردم ایران و حتی جهان را بیش از پیش شوکه کرده است. این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی در خیابان‌ها و زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها معترضین را بی‌رحمانه می‌کشد اما این بار، با وجود بستن اینترنت به مدت سه هفته، در همین حد محدودی که ویدئوها و تصاویر و اخبار و گزارشات شاهدان عینی به خارج رسیده است خبر از کشتار خونین ده هزار و ۲۰ هزار و ۴۰ هزار و حتی بیش‌تر است. این کشتار بی‌سابقه و جنایت سازمان‌یافته علیه بشریت است. اکنون مردم ایران بسیار خشمگین و شدیداً زخمی هستند و در این شرایط، برخی شهروندان عادی بر این نظرند که بهتر است آمریکا و اسرائیل به ایران حمله کنند تا جمهوری اسلامی را از بین ببرند. اما واقعیت این است که قرار نیست ریختن بمب‌های آمریکایی-اسرائیلی، حتی بر مناطق نظامی و موشکی و اتمی، آزادی را برای جامعه ایران به ارمغان بیاورد. جنگ و هرگونه جنگی محدود و درازمدت فلاکت و ویرانی و آوارگی به‌وجود می‌آورد و کلا جنبش‌های اجتماعی، سیاسی و اعتراضی را نیز زمین‌گیر می‌کند. به همین دلیل، طبیعی‌ست که هر فرد و نیروی آزادی‌خواه و برابری‌طلب و سرنگونی‌طلب با جنگ مخالفت کند و در عین حال، لحظه‌ای از سازمان‌دهی و همبستگی جنبش‌ها و نیروهای مبارز علیه جمهوری اسلامی غافل نباشد.

اما این پرسش به جای خود باقی است که آیا کی و در چه ابعادی آمریکا به ایران حمله می‌کند یا اسرائیل و هر دو مشترکاً؟ اگر این سؤال را مطرح کنیم که اصلاً حمله‌ای در کار است یا خیر؟ ساده‌اندیشی است چرا که آمریکا این همه هزینه برای انتقال نیروهایش به نزدیکی آب‌ها ایران و پایگاه‌هایش و اسرائیل انتقال داده است فقط هدفش جنگ روانی باشد. من اعتقاد دارم احتمال حمله به ایران، بسیار زیاد است. خیلی‌ها، تا حمله ۱۲ روزه اسرائیل و آمریکا به ایران، اکیدا بر این تصور بودند که چنین حمله‌ای هرگز صورت نخواهد گرفت. اما دیدیم بسیاری از جنگ ۱۲ روزه دچار شوک شدند. در واقع همه شواهد نشان می‌دهد که احتمال حمله اسرائیل و آمریکا به ایران، بسیار نزدیک است.

همه این‌ها نشان می‌دهد ترامپ به دنبال آن است که از طریق استقرار نیروهای نظامی در نزدیکی مرزهای دریایی ایران، پیام معتبری به ایران بفرستد. این پیام ابتدا برای آن است که ایران در چارچوب دیپلماسی مشکلات خود را با آمریکا حل کند و اگر دیپلماسی جواب ندهد، همان‌طور که اشاره شد به احتمال زیاد ترامپ متوسل به اقدام نظامی خواهد شد.

با توجه به آن‌چه در کرائیپ و در مورد ونزوئلا اتفاق افتاد، برخی تحلیلگران معتقدند که شکل دیگری از سناریوی ونزوئلا ممکن است در مورد ایران تکرار شود. اما باید توجه داشت که تفاوت‌های میان خاورمیانه و آمریکای جنوبی و کرائیپ باعث خواهد شد آمریکا در دفاع از متحدان خود و مخصوصاً اسرائیل نیروهای بیش‌تری راهی منطقه کند.

در حال حاضر آمریکا توان تهاجمی لازم برای زدن ضربه نظامی به ایران را دارد و لذا سؤال این است که چرا ناو آبراهام لینکلن و زیردریایی‌های تهاجمی را وارد منطقه کرده است؟

در هر صورت به‌نظر می‌رسد فعلاً آمریکا از نظر نظامی در حال آماده‌سازی نیروهای خود در منطقه است و احتمال اینکه به این زودی‌ها به اقدام نظامی گسترده علیه ایران متوسل شود، کم است.

با توجه به این که نیروهای نظامی و تجهیزات نظامی آمریکا از فروردین ۱۴۰۴ در منطقه مستقر شده بودند و حمله به ایران در ۲۳ خرداد صورت گرفت، به‌نظر می‌رسد در حال حاضر هم یک بازه زمانی حدوداً یک یا دو ماهه برای انجام اقدام مورد نظر آمریکا لازم است. بنابراین، انتظار می‌رود به مرور زمان حضور نظامی آمریکا در منطقه افزایش یابد و ممکن است برخی برخوردهای ناخواسته میان نیروهای ایرانی و آمریکایی رخ دهد. اگر این برخوردها کنترل شوند و اتفاق خاصی نیفتد، در آن صورت ممکن است که آمریکا تهدید ایران را برای دو ماه ادامه دهد و خواهان توافق دیپلماتیک و توافق اجباری با ایران شود. اما در صورتی که پیش از تحقق اقدام نظامی آمریکا، درگیری بین نیروهای ایرانی و آمریکایی گسترش پیدا کند، این احتمال وجود دارد که پیش از موعد مورد نظر ترامپ درگیری رخ دهد.

آنچه مشخص بوده این است که منطقه خاورمیانه آبستن تحولات بزرگ است؛ بحران غزه، بحران سوریه و روژآوا و کشتار بی‌سابقه مخالفین توسط جمهوری اسلامی ایران، باید دید آیا کشورهای منطقه می‌توانند از بروز یک بحران بزرگ در خاورمیانه جلوگیری کنند یا نه.

سابقه و عملکرد کشورهای منطقه نشان می‌دهد که آن‌ها نفوذ کافی را در واشنگتن برای تغییر تصمیم‌های کاخ سفید ندارند و نفوذ لابی طرفدار اسرائیل در واشنگتن به مراتب بیش‌تر از آن‌هاست. بنابراین، به‌نظر می‌رسد خاورمیانه شاهد تحولات چشم‌گیری در ماه‌های آینده خواهد بود.

آمریکا و اسرائیل، «جنگ برق‌آسا» می‌خواهند؛ یعنی یعنی به رهبران سیاسی-نظامی جمهوری اسلامی، پدافند هوایی، مراکز موشکی و فرماندهی سپاه و ارتش و سایر مراکز نظامی و انتظامی، جمهوری اسلامی را فلج کنند تا مجبور شود خواسته‌های آمریکا را بپذیرد و یا با کشتن خامنه‌ای، یکی از مقامات مورد نظر آمریکا به قدرت برسد و منافع آمریکا را تامین کند؛ و دیگر شعار مرگ بر اسرائیل از زبان او دولت شنیده نشود.

خامنه‌ای در اولین واکنش‌اش پس از سرکوب شدید اعتراضات مردم ایران، معترضان را «اغتشاشگر» خوانده بود و گفته بود «باید آن‌ها را سر جای خود نشانند». این سومین سخنرانی خامنه‌ای بعد از شروع اعتراضات اخیر ایران است؛ او گفت: «از ابتدای انقلاب آمریکا می‌خواهد سلطه‌ای که توسط مردم و با رهبری امام را در ایران از دست داد، برگرداند.»

به گفته او «سیاست آمریکا در همه دولت‌هایش این است که کشور مستقلی مثل ایران را تحمل نکند.» او افزود: «قاطعانه می‌گویم که هدف آمریکا از فتنه اخیر، بلعیدن ایران بود.»

به گفته او، شخص خود رییس جمهور آمریکا در «این فتنه دخالت کرد و حرف زد، اظهارنظر کرد، تهدید کرد و فتنه‌گران را تشویق کرد و پیغام داد که جلو بروید و ترسید و از شما حمایت نظامی می‌کنیم و رییس جمهور آمریکا جزء فتنه است.»

به ادعای خامنه‌ای، تفاوت این «فتنه» با «فتنه‌های» گذشته این بود که در گذشته «افراد مطبوعاتی غرب دخالت می‌کردند اما این بار شخص رییس جمهور آمریکا فتنه‌گران را تشویق کرد.»

علی خامنه‌ای، تاکید کرد گفت که «فتنه را خاموش کردیم ولی آمریکا باید پاسخ‌گو باشد.»

دونالد ترامپ نیز در جواب خامنه‌ای، خواستار پایان دادن به حکومت علی خامنه‌ای شد. ترامپ به نشریه پولیتیکو اعلام کرد: «زمان آن رسیده که به دنبال رهبری جدید در ایران باشیم.» رییس‌جمهوری آمریکا افزود حاکمان تهران برای اداره کشور به سرکوب و خشونت متکی هستند.

به این ترتیب، همه شواهدی که در بالا اشاره کردیم حالی از آن است که به احتمال زیاد، در ابتدا آمریکا و اسرائیل با حمله سریع نظامی قصد دارند خامنه‌ای را از بین ببرند. و پس از آن، از «جنگ فرسایشی» خودداری کنند. جنگ ۱۲ روزه ثابت کرد که آن‌ها به ویژه آمریکا، خواهان جنگ کوتاه است. اما پس از این حمله، احتمال دارد با عکس‌العمل سریع موشکی جمهوری اسلامی ایران روبه‌رو شوند و جنگ از کنترل آمریکا خارج شود و حتی به کشورهای دیگر نیز کشید شد. آن وقت پایان این جنگ، معلوم نیست و یا مانند سوریه، یک جنگ داخلی خانمانسوز جامعه ایران را ویران کند و قربانیان بی‌شمار بگیرد.

به نوشته وبسایت کانال ۱۴ اسرائیل، با چنین آرایش نیرویی، ایالات متحده توان اجرای هر اقدام نظامی را در اختیار دارد؛ از حمله‌ای محدود و هدفمند گرفته تا یک کارزار نظامی طولانی مدت.

در ادامه این گزارش، آمده که اهداف احتمالی ایالات متحده رهبران و جانشینان احتمالی، فرماندهان ارشد، و اهدافی متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی بسیج، اهداف نظامی آشکار، تأسیسات زیربنایی حساس و سامانه موشک‌های بالستیک هستند.

در چنین وضعیت، تنها راه جلوگیری از جنگ و جنگ داخلی ویرانگر، سازمان‌دهی هم‌زمان اعتراض خیابانی و اعتصاب در کارخانه‌ها و صنایع مختلف کشور، به‌ویژه در صنایع نفت و پتروشیمی، ادارات، مدارس، دانشگاه‌ها و نهادهای مختلف یاری‌رسان در محلات و ... است. یاس و ناامیدی از سرکوب جنبش خیابانی دی ماه و احساس شکست در شرایط کنونی و چشم داشتن به دخالت خارجی، راه را برای شکست‌های بیش‌تر و نابودی زیرساخت‌های کشور و کشتار و آوارگی و خانه‌خرابی شدیدتر منجر خواهد شد.

نهایتاً مداخله خارجی و جنگ، جامعه ایران را قطبی‌تر خواهد کرد و تجربه کشورهای لیبی، سوریه، یوگسلاوی سابق، عراق و افغانستان نشان می‌دهد که حتی اگر حکومت‌های دیکتاتوری و آدم‌کش سقط کنند، اما چنین مداخله‌ای لزوماً به آزادی و دموکراسی منجر نمی‌شود!

دوشنبه ششم بهمن ۱۴۰۴ - بیست و ششم ژانویه ۲۰۲۶